

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال رسول الله ﷺ:

﴿إِذَا عَمِلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا فَلْيُتَّقِنْ﴾

الكافي، ج ۳، ص ۲۶۳

امام خامنه‌ای مدظله العالی:

درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی،
وظائفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند. ۱۳۹۸/۹/۲۴

عنوان:

هنر؛ لوازم هنر دینی

شناسنامه مطلب	
مطلب	m-h-44
رده	هنر و رسانه / اصول و مبانی هنر / هنر از نگاه امام خامنه‌ای
برچسب	هنر، هنرمند، تعهد دینی، هنر دینی، لوازم هنر دینی، تربیت هنرمند، هنر و معارف، معارف اسلامی
توضیحات	

پایگاه تزکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی **نُمو**

nomov.ir

لازمه های حرکت فرهنگی و هنری اسلامی

حال که به نام اسلام دور هم جمع شده‌ایم، نباید باز همین‌طور طبق عادت به سمت ارزش‌هایی برویم که برایمان بیگانه است و اساساً با اسلام کاری ندارد و همان است که در دوران غفلت و خواب، آنها را به ما تحمیل کردند. البته امکان ندارد که انسان از فرهنگ دیگران استفاده نکند. استفاده کردن از فرهنگ دیگران، انسان را تکمیل می‌کند. اما فرق است بین این که انسان یک دارو یا غذای مقوی را با معرفت و بیداری و هشیاری، از میان صد نوع دارو و صد گونه غذا برای خودش مناسب بداند و انتخاب کند، با این که چیزی را به او بخوراند. فرض کنید شما ویتامین ث لازم دارید. می‌روید ویتامین ث را انتخاب می‌کنید و به آن اندازه و مقداری که لازم است نوش جان می‌کنید؛ آب هم روی آن می‌نوشید. خیلی هم خوب است! این که چیز بدی نیست. بیگانه هم هست؛ اما می‌رود جزو جان شما می‌شود. چون مال شماست؛ چون به آن احتیاج دارید. اما یک وقت است که اصلاً بحث انتخاب نیست. بیهوش افتاده‌ایم؛ یکی هم می‌آید آستین ما را بالا می‌زند و آمپولی را که نمی‌دانیم چیست، به ما تزریق می‌کند. حال آیا این لازم بود؟ لازم نبود؟ به اندازه بود؟ کم بود؟ زیاد بود؟ مضر بود؟ مخدّر بود؟ مسموم بود؟ اینها را انسان باید توجه کند.

آن زمان، هرچه به ما تزریق کردند مسموم و مخدّر و نامناسب بود. تا اواخر دوران پهلوی، همین‌طور چیزهایی را به این ملت تزریق کردند. این فایده‌ای ندارد. این نوع اخذ فرهنگ بیگانه که تکمیل فرهنگ نیست! این غرق شدن و معمول و مفعول فرهنگ بیگانه قرار گرفتن است. این ارزشی ندارد. اگر انسان برود با اختیار خودش انتخاب کند، بحث دیگری است.^۱

در صورت تحقق آن امر محال فضا اسلامی می‌شد.

اگر اوّل انقلاب، این امر محالی که حالا می‌خواهم عرض کنم، تحقق پیدا می‌کرد، امروز وضع ما بعد از پانزده سال، یقیناً وضع بسیار خوبی بود. آن محال این است که در آغاز یک انقلاب، کسانی که دست‌اندرکار اداره‌ی کشورند، آمادگی لازم و برنامه‌ریزی کافی و پیش‌بینی به اندازه را ندارند. چنین

۱. بیانات در دیدار اعضای «گروه ادبیات مقاومت» حوزه‌ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی ۱۳۷۲/۷/۱۲

چیزی، در انقلاب امکان ندارد و امکان نداشت و نشد. لکن اگر ما آن وقت این را داشتیم، اول کاری که می‌کردیم این بود باید این کار را می‌کردیم که می‌آمدیم از آن جوش و شور انقلابی استفاده می‌کردیم. معارف اسلامی را در یک فضای صحیح، به صورت ترجمه‌ی معنوی نه ترجمه‌ی زبانی ارائه می‌کردیم؛ آن‌چنان که یک انسان متنقّس در این فضا، بتواند آن را تنقّس و استنشاق کند. آن وقت هنرمند، هنرش از اسلام می‌جوشید. دیگر لازم نبود شما بگویید «این را بساز، این را بگو، یا آن جایش را حذف کن.» و فضا فضای اسلامی می‌شد. اما این نشد.^۱

معارف فقط با هنرمند بودن به دست نمی‌آید.

حافظ شیرازی صرفاً یک هنرمند نیست؛ بلکه معارف بلندی نیز در کلمات او وجود دارد. این معارف هم فقط با هنرمند بودن به دست نمی‌آید؛ بلکه یک پشتوانه فلسفی و فکری لازم دارد. باید متکا یا نقطه عزیمت و خاستگاهی از اندیشه والا، این درک هنری و سپس تبیین هنری را پشتیبانی کند.^۲

انس هنرمند با قرآن و نهج البلاغه و صحیفه سجّادیه برای جوشش هنری

لذا است که کار ادبی و به‌طور اعم، کار فرهنگی، باید در سایه و پرتو تعالیم اسلام و فکر و احساسات و ارزش‌های اسلامی انجام گیرد. یعنی آن محقّق، آن هنرمند و آن نویسنده، در فضای اسلامی بیندیشد. به نظر من، برای این کار، قرآن را در مجموعه‌ی خودتان رایج کنید. یعنی آقایان یا خواهرانی که مشغول کار هستند با قرآن انس پیدا کنند. قرآن کتاب عجیبی است! افسوس که انسان با کلمات نمی‌تواند آن احساس را بیان کند! به نظر من، قرآن را که کتاب عجیبی است با زبان خودش باید فهمید. ترجمه‌ی قرآن، نمی‌تواند قرآن باشد؛ اگر چه، چیزی را نشان می‌دهد. اما به نظر من، چاره‌ی کار، با قرآن انس گرفتن است. خصوصیت قرآن این است که اگر کسی عربی هم نداند اگر چه در محیط فارسی زبان ما، فعلاً اصطلاحات و فرهنگ و کلماتمان با عربی آمیخته است وقتی قرآن را چند بار با دقّت بخواند، بتدریج یک برداشت و فهمی از آن پیدا می‌کند. البته مراجعه به تفاسیر، خوب است. مراجعه به کلمات

۱. همان

۲. بیانات در دیدار جمعی از اصحاب فرهنگ و هنر ۱۳۸۰/۵/۱

بزرگان، خوب است. ولی اُنس با قرآن و نهج البلاغه، چیز عجیبی است! واقعاً نهج البلاغه، تالی قرآن است. یعنی انسان وقتی با نهج البلاغه اُنس پیدا می‌کند، می‌بیند چقدر پُر است! و بعد، انس با صحیفه‌ی سجّادیه.^۱

قرآن و کلام‌های عمیق تدبّر می‌خواهد.

ببینید چه چیزهای ناب‌ی از اسلام در اختیار ماست، و همه چیز اسلام هم درون اینهاست. اینها فوق‌العاده است! البته نگاه سرسری، اصلاً به آدم جواب نمی‌دهد. اگر شما جذابترین آیات قرآن را که یک انسان عارف از خواندنش بی‌خود می‌شود جلو آدمی معمولی بگذارید، ولو معنایش را هم بفهمد، همین‌طور به آن نگاه کند و چیزی دستگیرش نمی‌شود. قرآن تدبّر می‌خواهد؛ مثل هر کلام عمیق دیگر. مگر سخن سعدی تدبّر نمی‌خواهد؟ شما شعری از سعدی را پیش دو نفر که اوّلی آدمی است مأنوس و آشنا با فکر سعدی و دومی آدمی است معمولی، بخوانید:

ای که پنجاه رفت و در خوابی	مگر این پنج روزه دریابی
عمر برف است و آفتاب تموز	اندکی مانده؛ خواجه غرّه هنوز

اینها را همین‌طوری مگر می‌شود فهمید! ترجمه‌ای را که انسان می‌فهمد، حکمتش را نمی‌نوشد؛ مگر این‌که در آن فضا قرار گیرد، اُنس پیدا کند و تدبّر نماید. اینها برای کسانی که امروز می‌خواهند ادبیات و هنر اسلامی و ایرانی را بدانند لازم است.^۲

۱. همان

۲. همان